



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۵/۰۵/۱۳



صلاح الدین سعیدی

چرا به افغان بودن خود افتخار می کنیم؟

اقتباس: (۱)

اولاً تاریخچه کلمه و یا اسم افغان را باید بدانیم؛

نخست از همه باید گفت که کلمه "افغان" یک کلمه پشتو نبوده بلکه فارسی است و در طول ادوار تاریخ به قوم پشتون خطاب نشده بلکه بر یک خطه جغرافیایی خطاب شده و می شود و افغان یکی از بخش های آریایی بوده کدام نژاد مجزا از مردم آریایی معمول این منطقه نیست.

اسم "افغان" بر همه ساکنین این منطقه اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، ایماق، بلوچ، گوجر، پامیری، عرب، پشه ای، نورستانی، سک و اهل هند و غیره اقوام ساکن این خطه اطلاق می شود.

چنانچه کلمه "افغان" در منابع مهم و معتبر تاریخی جهان مانند تاریخ یمنی (از کهنترین تاریخنامه های ایرانی است) تاریخ "بیهقی"؛ "الکامل ابن اثیر"؛ "حدود العالم"، نوشته های "بطلموس" و بخصوص در سفرنامه ابن بطوطه به کرات ذکر شده است.

چنانچه "ابن بطوطه" در سفرش به کابل (سفرهایی طولانی ابن بطوطه از ۷۲۵ هجری قمری آغاز شد و در سال ۷۵۴ هجری قمری پایان یافت و در مجموع ۲۹ و نیم سال به طول انجامید.) می نویسد:

"سپس به کابل سفر کردیم در آنجا طائفه ای از عجم زندگی می کند که «افغان» نامیده می شوند... کابل از قدیم پایتخت پادشاهان افغان بوده است از طرفی می دانیم که مردم کابل از قدیم اکثریت مطلق تاجیک ها بوده اند و تا زمان سفر ابن بطوطه تعداد پشتون ها هنوز در این نواحی انگشت شمار بوده اما مردم کابل خود را افغان می نامیدند.

اسناد و مدارک بجا مانده از عهد باستان تأیید می کند که کلمه افغان سابقه تاریخی حد اقل هزار و هفصد ساله دارد، چنان که در دوره قبل از اسلام، سه سند ایرانی، هندی و چینی در باره کلمه «افغان» موجود است و این کلمه مکرر در متون مختلف فارسی و عربی دوره اسلامی هم آمده است.

در شاهنامه فردوسی که از جمله معتبرترین کتاب‌های فارسی شمرده می‌شود، کلمه افغان به مراتب ذکر شده که به معنی مردم این خطه بوده است و می‌باشد، کلمه "افغان" به شهادت شاهنامه به عنوان نام مردم این منطقه سابقه بیشتر از هزار سال دارد.

نخستین باری که ذکری از کلمه "افغان" در آثار مکتوب آمده، عنوان «اسوه گانه» در زبان سانسکریت می‌باشد. در داستان حماسی "مهابهارته" به صورت «اسواگا» به کار رفته است. معادل فارسی این کلمه «سوارکار نجیب» است که همه گروه‌های قومی پشتون، تاجیک، اوزبیک و سایر اقوام ساکن آنرا در بر می‌گیرد.

در کتاب "اوستا" او - جن (Ava-jan) و همچنین اپ - جن (Apa-jan) و در سانسکریت او - هن (Ava-han) و اپ - هن (Apa-han) به معنی کشتن و زدن و افکندن و برانداختن و دفاع کردن است. اسم فاعلی آن از ریشه این کلمه "افغان" است،

در اوستا اوغنه (Avaghna) و اوغانه (Avaghâna) ایغنه (Apaghna) و ایغانه (Apaghâna) و در سانسکریت اوگهنه (Avaghna) و اوگهانه (Avaghâna) و ایگهنه (Apaghna) و ایگهانه (Apaghâna) و به معنی افکننده و دفاع کننده و جنگنده و غیره است و برای مردم جنگجو، دلاور و سلحشور مانند افغان‌ها این پر افتخارترین نام شایسته است که دیگران به آنان داده اند.

در "شاهنامه فردوسی" نیز دوبار کلمه «آوگان» آمده است، که از سپه‌کشان عصر "فریدون" بود:

سپهدار چون قارن کاو گان سپهکش چو شیروی و چون آوگان

در جای دیگر، باز هم در همین داستان "فریدون"، "فردوسی" چنین می‌گوید:

سپهدار چون قارن کاو گان به پیش سپاه اندرون آوگان

بدین ترتیب، اسم یا کلمه "افغان" - در زبان‌های هزار سال قبل «آوگان»، «آوگان» آمده و بعد از هجوم عرب چون در الفبای عربی حرف گاف "گ" وجود ندارد بناءً حرف گاف را بعضاً جیم و اکثراً هم غین تلفظ می‌کنند.

مثلاً "گاز" را "غاز" می‌خوانند، کشور "پرتغال" را "پرتغال" می‌گویند بناءً «آوگان» را هم «اوغان» خوانده اند و بعداً «افغان» و در جمع افغانه در عربی شکل گرفت چون کلمه افغان عربی نیست، بناءً افغانه هم اشتباه است.

بناءً وقتی یک افغان به خارج از کشور سفر می‌کند، در خارج همه آن را به نام افغان می‌شناسند، اگر شما بگویید که من تاجیک هستم، فکر می‌کنند که اهل تاجیکستان هستید و این هم جعل و دزدی اسم و هویت یک کشور دیگر است. و اگر بگویید از بیک هستم آنها فکر می‌کنند که از اهل ازبیکستان هستید.

آیا شما واقعاً به یک تاجیک به نام افغانستان که افغان است، افتخار می کنید یا به یک تاجیک – تاجیکستان؟
اصلاح متحده آمریکا از نژاد و ملیت های مختلف تشکیل شده است ولی وقتی که در قلمرو یک کشور و دولت زندگی می کنند و افتخار تابعیت آن را دارند همه امریکایی خطاب می شوند.
پس ما "افغان" هستیم نه "افغانستانی"! تاجیک های تاجیکستان خود را تاجیک می گویند و ازبیک های ازبیکستان خود را ازبیک می گویند نه [[تاجیکستانی]] یا [[ازبیکستانی]].
در عرف بین المللی نیز مراد از کلمه «افغان»، «ملت افغانستان» است، نه قوم «پشتون». از همین رو هر تبعه افغانستان در داخل و خارج از کشور به صفت «افغان» شناخته می شود.
بنا بر این کشور ما افغانستان است و ما افغانیم و این ادعایی که کلمه افغان متعلق به یک قوم است ادعای کاملاً بی اساس، مغرضانه، دشمنانه، پوچ و بی بنیاد است و کسانی که واقعاً فروخته شده هستند علیه این نام پاک و پر افتخار و وحدت اقوام ما قد علم کرده اند قابل مجازات قانونی اند چون در قانون اساسی برای اتباع افغانستان، افغان خطاب شده است. لهذا برای تحکیم ملت شدن در کشور ترجیح بدهیم که هویت ما به کشور ما منسوب باشد.
پس ما افغانیم و تا یک نفر افغان است، زنده افغانستان است.

"افغان" بالاتر از پشتون است
"افغان" بالاتر از تاجیک است

"افغان" بالاتر از ازبیک است
"افغان" بالاتر از هزاره است

"افغان" بالاتر از پشه ای و بلوچ است
"افغان" بالاتر از سیک و اهل هند است
زیرا همه ساکنین و باشندگان افغانستان افغانند!!



اگر بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیند گناه است

مآخذ؛

- ۱ - علامه استاد "عبدالحی حبیبی"، مجله "آریانا"، شماره سوم، سال بیست و هفتم، جوزا و سرطان ۱۳۴۸ شمسی، صفحه ۱
- ۲ - مری لونیس افغانستان شناس معروف، کتاب سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه مرتضی اسعدی، چاپ اول: ۱۳۶۸، ص ۵۲.
- ۳ - فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳۱.
- ۴ - مجله سخن، ص ۱۲۶۵-۱۲۶۳.
- ۵ - همان جا، ص ۱۲۶۵
- ۶ - نوشته [[استعمال نام افغانستانی جرم است]] کتاب « افغانستان گلستان اقوام» صفحات ۱۱ تا ۱۴ (۱۳۷۷ هجری شمسی) ۲۰۰۸ میلادی - ناشر: ولی احمد نوری - انتشارات بامیان - شهر لیموژ فرانسه منتشره و بسایت آریانا افغانستان آنلاین (اداره)